



دیدار و گفتگو

دیدار و گفتگو

۸۴۸۸ / راه نجات / گفت‌وگو با سید پرادو، تازه مسلمان اهل کلمبیا / قسمت دوم
۸۹۹۴ / فرزانه‌ای که با مدیث و دعا زیست و از مفاخر رومانیت بود /
گفت‌وگو با استاد باقری بیدهندی در مورد مرموم حاج شیخ عباس قمی رحمته

دیدار و گفتگو



پدرم به من ماشین داد؟ امکانات همه چیز داد،
اما من همه چیز را رها کردم و این راه را انتخاب
کردم؛ چون فکر می‌کنم مسلمان شدن می‌تواند
مرا نجات دهد.

اشاره:

لئوپولدو پرادو اهل کلمبیا است. وقتی مسلمان شد،
نام سجاد را انتخاب کرد. همه خانواده او مسیحی
هستند. او نیز تا سال ۲۰۰۲ میلادی مسیحی بود، اما
حالا چند سالی است که نور اسلام بر دلش تابیده و
هدایت شده است. چند سالی است که به ایران آمده و
در همین ایران ازدواج کرده و اکنون در قم و در مجتمع
آموزش عالی امام خمینی تثقل مشغول به تحصیل علوم
اسلامی است. برای این که داستان زندگی و اسلام
آوردن او را بشنویم، چندین جلسه در ماه‌های مختلف
مصاحبه نمودیم. مصاحبه‌ای که از فروردین تا شهریور
طول کشید و خودش نیز داستانی شد.

در بخش اول این گفت و گو با سجاد و خانواده‌اش
و داستان اسلام آوردن وی و سختی‌هایی که در آغاز
اسلامش کشیده بود، آشنا شدیم. با سپاس از حاج
سجاد که امسال به حج تمتع مشرف شده است، بخش
دوم را تقدیم خوانندگان عزیز می‌نماییم.

قسمت دوم

راه‌نجات

گفت و گو با سجاد پرادو تازه مسلمان اهل کلمبیا
و طلبه مجتمع آموزش عالی امام خمینی تثقل، قم

گفت و گو از: علی الله اکبری
عکس‌ها: ابوالفضل مه‌آبادی



نماز را چگونه یاد گرفتی؟

استادی برای یاد گرفتن نماز نداشتیم، نماز را روی یک کاغذ نوشتیم و بر دیوار زدم و از روی آن می‌خواندم و برای خواندن قنوت، آن را کف دست می‌نوشتیم. در این مدت نماز را خیلی شمرده و با سختی می‌خواندم، تا این که پس از یک ماه، نماز را حفظ کردم. داستان پول گرفتن برای نماز را بگویید؟!

من هر روز ساعت ۴:۳۰ صبح خودم از خواب بلند می‌شدم و نماز می‌خواندم. البته آن‌جا اذان نبود، همین طوری قبل از طلوع خورشید بلند می‌شدم. بعد از نماز، قرآن به زبان اسپانیولی می‌خواندم. پدرم از

این کار من بسیار تعجب می‌کرد. یک روز برای نماز بالا رفته بودم، شنیدم پدرم به مادرم می‌گفت: چرا هر روز ساعت ۴:۳۰ صبح بیدار می‌شوی و نماز می‌خوانی؟! حتما کسی به ایشون پول می‌دهد! من فردا باید ببینم که چه کسی به ایشون پول می‌دهد!

چون وقتی که من مسیحی بودم قبل از ساعت ده و یازده بیدار نمی‌شدم. فردای آن روز، پدرم ساعت ۴:۳۰ بیدار شد و منتظر بود که چه کسی به من پول می‌دهد! ولی کسی نیامد! تعجب پدر و مادرم بیش‌تر شد.

ولایت امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام

یک خاطره بگوییم: در زمان جنگ ۳۳ روزه لبنان با اسرائیل بود که یکی از روزنامه‌ها، عکس سیدحسین نصرالله را چاپ کرده بود. پدرم گفت: این سیدنصرالله خیلی قویه؟ نه؟! گفتم: بله، خیلی قویه. پرسید: حزب‌الله چند سرباز داره؟ گفتم: حدود ۸ الی ۱۰ هزار نفر. با تعجب پرسید: با این تعداد افراد چطور بر اسرائیل پیروز شدند؟ گفتم: این‌ها شیعه هستند. ایمان خیلی قوی و اعتقاد به ولایت امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام دارند. و گفتم: این را شما نمی‌توانی درک کنی و حس کنی، مگر این که مسلمان باشی. این چیزی است که در دل ما هست و هر جا می‌رویم، پیروز می‌شویم.

گفت: حماس که قبل از حزب‌الله درست شده، پس

چرا پیروز نشده‌اند؟ بعد خودش گفت: این‌ها ولایت امیرالمؤمنین ندارند؟ پس به خاطر آن پیروز نشده‌اند؟ گفتم: بله. بعد گفت: این سیدنصرالله شاگرد چه کسی است؟ عکس رهبری را که پشت روزنامه بود، نشانش دادم و گفتم: شاگرد آقا. گفت: این (آقا) شاگرد خمینیه؟ گفتم: بله. گفت: پس بگو چرا قوی هستند؟! بعد این بحث را پیش کشیدم که امام خمینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ شاگرد مکتب امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام است. گفت: می‌خواهم یک کتاب درباره امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام بخوانم. کتابی به نام ولایت امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام نوشته سیدرضی به زبان اسپانیولی که قبلاً من آن را تهیه کرده بودم، به ایشان دادم.

پدرم با تعجب گفت: این ولایت امیرالمؤمنین خیلی قویه؟! و بعد رفت پیش مادرم و گفت: دینی ندیدم که عقیده‌ای این‌طور قوی داشته باشد.

استادی برای یاد گرفتن نماز نداشتیم، نماز را روی یک کاغذ نوشتیم و بر دیوار زدم و از روی آن می‌خواندم و برای خواندن قنوت، آن را کف دست می‌نوشتیم. در این مدت نماز را خیلی شمرده و با سختی می‌خواندم، تا این که پس از یک ماه، نماز را حفظ کردم.

برای اولین بار کی به ایران آمدید؟

پیگیری کردیم با ۱۲ نفر از دوستان تازه مسلمان کلمبیایی برای زیارت، با کمک عبدالکریم به ایران آمدیم. این مسافرت از طرف دفتر آقا، توسط حاج آقای ربانی در زمستان ۲۰۰۴ انجام شد.

از کلمبیا به ونزوتلا و سپس به ایتالیا و از آن‌جا به ایران آمدیم. ساعت ۵ صبح به تهران رسیدیم و همان زمان به سمت قم حرکت کردیم. من در آنجا طلوع قرمز رنگ خورشید را دیدم. این خاطره قشنگی از ایران برای من است. چون در کشور خودمان به این قشنگی نمی‌توانیم خورشید را ببینیم. به مدرسه امام خمینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ آمدیم. شیخ سهیل اسعد را دیدم و خیلی خوشحال شدم. بعد هم به زیارت حرم حضرت معصومه علیها السلام رفتیم.

تا آن موقع حرم هیچ یک از اهل بیت علیهم السلام نرفته بودید؟

نه. مسجد رفته بودم، ولی حرم هیچ‌یک از اهل بیت علیهم السلام را ندیده بودم. صفر بودم. این‌جا زیارت کردم و خیلی برایم جالب بود. اطلاعات من از حضرت

معصومه علیها السلام و برادرشان حضرت امام رضا علیهم السلام خیلی کم بود.

به مشهد و زیارت امام رضا علیهم السلام هم رفتید؟ چه احساسی داشتید؟

بله، مشهد و حرم که رفتیم، نمی‌دانستم چرایی اختیار گریه می‌کنم. شروع به نماز خواندن کردم، ولی دوباره در حال نماز گریه‌ام گرفت و نمی‌توانستم نمازم را ادامه بدهم. خیلی قشنگ بود. خیلی گریه و درد دل کردم و به آقا گفتم: من چند تا مشکل دارم، آن‌ها را حل کنید. مجرد بودم. تنهایی برایم سخت بود و به ایشان گفتم: من شما را نمی‌شناسم و خیلی از شما اطلاعات ندارم، فقط می‌دانم که شما نوه حضرت رسول صلی الله علیه و آله هستید. ممکن است الان شما به من بخندید، ولی این اولین دعای من پیش آقا بود. از امام رضا علیهم السلام تشکر کردم که مرا به ایران دعوت کرد. بعد هم برگشتیم قم.

چند وقت بود ایران بودید؟

دو ماه در ایام عزاداری حسینی و عاشورا این‌جا بودم. برایم تعجب آور بود که چطور مردم سینه می‌زنند. برای من سنگین بود! در این مدت شش ماه کلاس داشتیم و با عقاید و احکام اسلامی آشنا شدیم. البته کلاس‌ها به زبان اسپانیولی بود. چون فارسی و عربی بلد نبودیم.

قبل از این که به ایران بیاید چه تصویری از ایران داشتید؟

من تصور می‌کردم که ایران یک کشور عقب‌مانده و تروریست است! چون القای کشور آمریکا این بود که حتی در ایران ماشین نیست و مردم با شتر رفت و آمد می‌کنند! در آمریکا از صبح تا شب در شبکه‌های مختلف علیه ایران، شیعه و آیت‌الله خامنه‌ای تبلیغ می‌کند.

وقتی وارد ایران شدید؟

وقتی به ایران آمدم، فهمیدم که جمهوری اسلامی خیلی پیشرفت کرده است. چیزی که برای من جالب بود این بود که شما نصف شب می‌توانید از خانه بیرون بروید، ولی در کشور ما خطرناک است. امنیت در اینجا زیاد است.

چگونه شد که تصمیم گرفتید طلبه بشوید؟
موقع بازگشت به کلمبیا، آقای ربانی کتابی به نام «زندگی سلمان فارسی» به زبان انگلیسی به من داد و گفت: دوست نداری این‌جا درس بخوانی؟ گفتم: نمی‌دانم، من می‌خواستم پزشکی بخوانم. پرسیدم در این‌جا می‌شود پزشکی خواند؟ گفت: پزشکی روح هم خوب است. بعد گفت: اگر دوست نداری در ایران بمانی،

برو کلمبیا و این کتاب را با خودت ببر و مطالعه کن. به زبان اسپانیولی ترجمه کن، حق ترجمه‌اش را هم می‌دهیم. بعد گفت: اگر دوست داشتی طلبه بشوی به من ایمیل بزن. من رفتم کلمبیا و کتاب را خواندم و فهمیدم

مسلمان شدن چقدر برای مسلمانان صدر اسلام سخت بوده است.

در این مدت کتاب را ترجمه کردم و درباره اسلام و آخرت مطالعه می‌کردم تا این‌که احساس کردم باید به ایران بیایم و طلبه بشوم.

نظر پدر و مادران در مورد تحصیل در ایران چه بود؟

گفتند: هر کاری می‌خواهی بکن. آقای سهیل اسعد هم به منزل ما آمدند و با پدر و مادر صحبت کردند. آن‌ها هم راضی شدند. پدرم به من ماشین داد، پول داد، امکانات همه چیز داد، چون وضع مالی‌اش بسیار خوب بود، اما من همه چیز را رها کردم و این راه را انتخاب کردم. چون فکر می‌کنم مسلمان شدن می‌تواند مرا نجات دهد.

چه سالی به ایران آمدید؟

سال ۲۰۰۷، وقتی به ایران آمدم، غریب بودم. فرهنگ این‌جا و زبان فارسی را بلد نبودم. بی‌پول بودم. خیلی سخت بود. آقای ربانی کمک زیادی کردند. تا این‌که بعد از چند ماه به مدرسه المهدی

(عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) رفتم و آقای کویانی آن‌جا به من خیلی کمک کردند تا در ایران بمانم و درس بخوانم. با تلاش و همت و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و نماز شب توانستم سختی‌ها را تحمل کنم و به تحصیل ادامه بدهم.

چه زمانی و چگونه ازدواج کردید؟

ابتدا ۶ ماه این‌جا تنها بودم. به آقای ربانی گفتم: من به کلمبیا می‌روم و ازدواج می‌کنم و برمی‌گردم. گفت: برو. رفتم آن‌جا، با دختری مسیحی آشنا بودم. صیغه خواندیم و به این‌جا آمدم تا اگر مسلمان شد،

ازدواج کنیم. او را به زیارت حضرت معصومه علیها‌السلام بردم. مدتی بعد خواب وحشتناکی دیدم. از خواب بلند شد، گریه کرد و گفت: خواب دیدم که حیوانات می‌خواستند مرا بخورند، ولی با تو دوست بودند. بعد مسلمان شد. ولی نتوانست این‌جا را تحمل کند و ادامه ندهد، ۴ ماه بعد به کلمبیا برگشت و دوباره مسیحی شد.

من دوباره به حجره برگشتم. تنهایی برایم سخت بود. رفتم حرم حضرت معصومه علیها‌السلام، دعای توسل خواندم و گریه کردم که چرا یک همسر خوب قسمت نمی‌کنید؟ استادی در مدرسه المهدی (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) بود، به ایشان گفتم: می‌خواهم

ازدواج کنم. ایشان خواهر خانمش را که عرب بود و ساکن اهواز معرفی کرد. بالاخره پس از ۶ ماه رفت و آمد و آشنایی و... ازدواج کردیم. و بعد از ازدواج ما را برای ادامه تحصیل به اصفهان فرستادند.

اصفهان چگونه گذشت؟

تا سال ۲۰۰۹ میلادی اصفهان بودم. آنجا فارسی را با خانم تمرین کردم و دوره فارسی و مقدمات را تمام کردم. البته سخت گذشت. ابتدای زندگی بود و کمبود و حتی نبود امکانات ضروری زندگی. بارداری خانم هم مزید بر علت شده بود. امام در عین حال هر دو خوشحال بودیم.

پس، از زندگی‌ات راضی هستید؟

بله ۱۰۰ درصد، همسرم بهترین چیزی بود که من در ایران پیدا کردم.

کی به قم آمدید؟

برنامه آموزش زبان فارسی را که تمام کردم به من گفتند: برای ادامه تحصیل به مدرسه امام خمینی قدس سره برو که مسؤلیت آن‌جا به عهده مرد بزرگی به نام آقای هاشمیان است.

این‌جا به شما خانه هم دادند؟

بله؛ ایشان مشکل خانه را حل کردند. یک آپارتمان در پردیسان به ما دادند و ما برای ایشان خیلی دعا می‌کنیم.

چند وقت است که طلبه این‌جا هستید؟

یک سال؛ سال ۲۰۰۹ بود که به این‌جا آمدم، یکی، دو ماه این‌جا بودیم و بعد به کلمبیا رفتیم تا پسرمان به دنیا آمد و بعد از چند ماه هم برگشتیم.

پدرم به من ماشین داد، پول داد، امکانات همه چیز داد، چون وضع مالی‌اش بسیار خوب بود، اما من همه چیز را رها کردم و این راه را انتخاب کردم. چون فکر می‌کنم مسلمان شدن می‌تواند مرا نجات دهد.

اسم فرزندان؟

علی هادی

چرا علی هادی؟

به خاطر این‌که امام علی علیه‌السلام باعث هدایت و مسلمانی من شد. اسم هادی خیلی دوست داشتنی و جالب است برای من.

بعد از این همه مدتی که در ایران زندگی می‌کنید، ایران را چطور می‌بینید؟
ایران خیلی خوبه، مخصوصاً اهواز.

الآن در ایران درس را با انگیزه کامل دنبال

می کنید؟

بله. آقای هاشمیان برای من یک برنامه مخصوص و جداگانه گذاشته‌اند. و بعضی درسها را به صورت خصوصی می گیرم

معنی اسم شما، لئوپولدو، چیست؟

به معنی پادشاه است. اما من این اسم را دوست ندارم. ان شاءالله این دفعه که برمی گردم کلمبیا، شناسنامه‌ام را عوض می کنم.

از اعضای

خانواده هیچ

کدام مسلمان

نشده اند؟

من خیلی تلاش کردم که پدر و مادرم مسلمان شوند. مادرم اول می گفت: اسلام دین نیست و من قبول نمی کنم. چون مسلمان شده بودم مادرم

با من قهر بود. اما من به خاطر تعالیم اسلام رفتارم عوض شده بود. یعنی خیلی به او احترام می گذاشتم. مادرم می گفت: این رفتار به خاطر این است من دوست بشوم و اشتهی کنم! ولی نه، رفتار من واقعا عوض شده بود. من به رفتارم ادامه دادم و به خاطر همین رفتار،

مادرم گفت: دین اسلام، دین خداست. من گفتم ماما! حضرت رسول ﷺ را قبول می کنید؟ گفت: حالا ولش کن و قبول نکرد.

من سوره مریم را به ایشان نشان دادم و حضرت زهرا علیها السلام را به ایشان معرفی کردم و کتاب زندگی حضرت زهرا علیها السلام را برایشان خواندم.

گفت: این خانم را خیلی اذیت کرده اند. خانم خوبی است، پدرش کیست؟ گفتم: این خانم دختر پیامبر ﷺ است. تعجب کرد.

بعد گفت: تو یک دلیل برای من بیاور که من باور کنم که حضرت عیسی ﷺ پسر خدا نیست. گفتم: باشه. برایش انجیل خواندم. انجیل می فرماید: یک بار

شیطان، حضرت عیسی ﷺ را به کوه برده است و گفته است اگر تو یک عبادت کوچک برای من بکنی، من کل دنیا را به تو می دهم. حضرت عیسی ﷺ گفت: فقط خدا، مادرم گفت: این حرف راست است، شیطان خیلی خدا و پسر خدا را اذیت کرده است. من گفتم: ماما شما خانه دارید؟ گفت: بله. گفتم:

اگر الآن یک نفر به شما بگوید: خانم! اگر شما یک عبادت کوچک یا کاری برای من انجام بدهید، من همین خانه را به شما می دهم، شما چه می گوئید؟ گفت: خانه مال خودم است چگونه دوباره... و انگار که چیزی کشف

کرده باشد گفت: اگر همه این دنیا برای حضرت عیسی ﷺ است که پسر خدا بوده، چطور شیطان گفته است که من این را به تو می دهم و فهمید که این کتاب (انجیل) اشتباه دارد. بعد از این حرف گفت: نه، عیسی نه پسر خدا و نه خدا است.

فقط پیامبر خداست. بعد گفت: حضرت رسول ﷺ را قبول می کنم. حضرت زکریا علیها السلام، حضرت یحیی علیها السلام، حضرت موسی علیها السلام و همه انبیا را قبول کرد.

چند هفته پیش مادرم به من زنگ زد و گفت: من می خواهم مسلمان شوم، چه کار باید بکنم؟ مادرم مشکل

دیابت



از این برنامه راضی هستید؟

بله، راضی ام. من اهل مطالعه نبودم، ولی الآن صبح تا شب مطالعه می کنم.

همسر تان هم به حوزه می روند؟

در اصفهان می رفتند، فعلا پسرم کوچک است و نمی توانند بروند.

نام بهترین کتابی که تا حالا خوانده اید، بفرمایید؟

زندگی حضرت علی ﷺ، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله که من با این کتاب مسلمان شدم.

بهترین دوستی که در ایران - ایرانی و یا

غیر ایرانی - داشتید چه کسی است؟

آقای سهیل اسعد هم بهترین استاد و هم بهترین دوست برای من هستند.

به عنوان یک طلبه که چند سال است مسلمان شده اید، چه راه کاری برای موفقیت طلبه های دیگری که درس می خوانند، دارید؟

۱- توکل به خدا. باید به خدا توکل داشته باشند. ۲- هدف داشته باشند و فقط آن هدف را دنبال کنند. ۳- نیت خالص ۴-

مسئولیت پذیر باشند و نیاز کشورشان را در نظر بگیرند.

هدف شما از درس خواندن چیست؟

هدف من این است که مردم کلمبیا ۱۰۰ درصد شیعه شوند.

دارد. گفت: من چطوری روزه بگیرم؟ گفتم: شما لازم نیست روزه بگیرید. بعد گفت: من ۵۵ سال دارم، تو ۵ بار در روز نماز می‌خواندی، من چطور بخوانم؟ گفتم: شما نشسته بخوانید. گفت: عربی چه زبانی است؟ من نمی‌دانم. گفتم: هر چه قدر که می‌توانید، بخوانید، اشکال ندارد.

رفتم سراغ مدیر گروه فقه و پرسیدم: یک خانم ۶۰ ساله که شوهرش مسیحی است و می‌خواهد

خوب به سراغ پدر بروید و او را با اسلام آشنا کنید، مگر نگفتید که حضرت علی علیه السلام را دوست دارد؟

چرا؛ ولی پدرم مثل مادرم نیست...

توصیف واژه‌ها:
احساس یا توصیف‌تان

جمهوری اسلامی
ایران:
بهترین حکومت.

طلاب برای موفقیت باید: ۱- توکل به خدا. ۲- هدف داشته باشند. ۳- نیت خالص. ۴- مسئولیت‌پذیر باشند و نیاز کشورشان را در نظر بگیرند.

را نسبت به کلمات و عباراتی که می‌گویم در یک جمله کوتاه یا یک کلمه بفرمایید.

خدا:
نور.

دین اسلام:
هدایت.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله:
چشمه پاکی.

قرآن:

بهترین کلام خدا.

اهل بیت علیهم السلام:
اشک خودم.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف):
فرمانده ما.

شیعه:
حق.

تحصیل و درس خواندن:

شهادت؛ یا همه مردم را مسلمان می‌کنم یا به شهادت می‌رسم.

تبلیغ:
کار انبیاء.

می‌گذارد و مردی که نیت صافی دارد.
علی‌هادی پرادو:
وجود من.

نشر به آفاق:

یک ابزار. ابزاری که همه مردم می‌توانند به کلام اسلام و قرآن برسند.

یک آرزو:

روحانی کامل شوم.

حضرت علی علیه السلام:

پشت و پناه من.

عاشورا:

آب وضو

امام حسین علیه السلام:

زنده همیشه جاوید.

حضرت زینب علیها السلام:

ارزش.

کربلا:

درس.

یک دعا:

ان شاءالله ما هم مثل فرزندان حضرت زهرا علیها السلام به خصوص امام حسین علیه السلام همیشه پیروز می‌شویم.

آن چه که دوست داشتید بگویید و ما نپرسیدیم؟
خیلی دوست دارم عبای آقای خامنه‌ای را بگیرم و دوست دارم که در آینده مجتهد شوم.

فکر می‌کنید چه مشکلات و موانعی بر سر راه تحصیل طلبه‌های غیرایرانی وجود دارد؟ و چطور می‌شود آن‌ها را برطرف کرد؟

۱- برای این که همه چیز خوب باشد. باید حرف آقا را گوش بدهند. ۲- قلب صافی مثل قلب امام تبارک و تعالی داشته باشند. آموزش این‌جا عالی است. ۳- کار طلبه‌ها باید منظم باشد. ۴- ارتباط دائمی طلاب فارغ التحصیل با ایران و جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله.

امام خمینی رحمته الله:
خیلی بزرگ.

آیت‌الله خامنه‌ای:
عشق من، ولی ما.

قم:
مقدس.

جمکران:

بهشت.

حرم:

آرامش.

جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله:

بهترین کار آقا.

مجتمع آموزش عالی

امام خمینی رحمته الله:

آرزو، آرزوی من بود که به این‌جا بیایم و درس بخوانم.

طلبه:

مسئولیت‌سنگین.

استاد:

دوست.

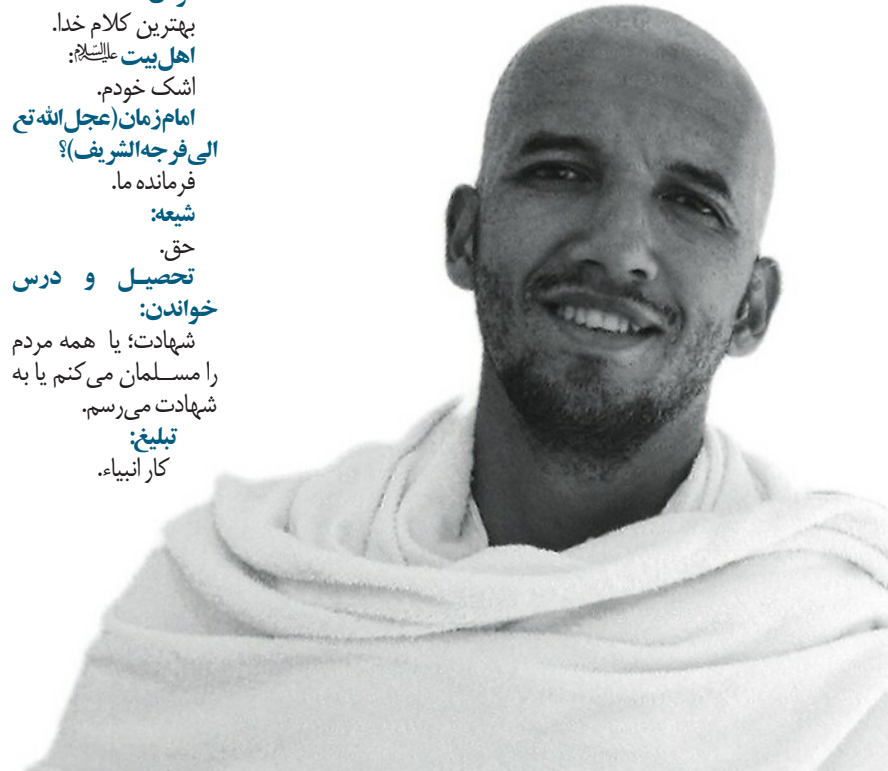
کلمبیا:

سرزمینی برای

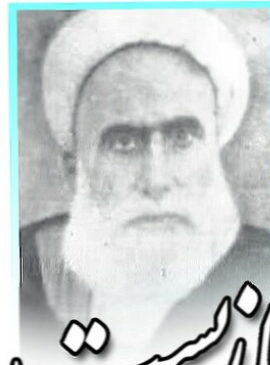
کشاورزی.

سجاد پرادو:

مردی که هزار تا مشکل دارد، هزار تا گناه می‌کند. مردی که به پدرش خیلی احترام



فرزانه ای که با حیث و ذوق است و از مفاخر روحانیت بود



گفت و گو با مِمّت الاسلام والمسلمین استاد ناصر باقری
بیدهندی

مقلمه

تجلیل از بزرگان دین و بزرگداشت فرزندان راستین هر ملت، بر عهده افراد آن ملت است. آذرماه امسال مصادف با هفتادمین سال درگذشت محدث نامی و مورخ گرامی حاج شیخ عباس قمی رحمته است. پرداختن به ابعاد مختلف شخصیت‌های علمی، ضمن تجلیل از آنان و ارج نهادن به تلاش‌ها و مجاهدت‌هایشان، گرفتن ره‌توشه‌هایی از راه‌یافتگان است؛ گرامی‌داشت عالمان ربانی شیعه، یکی از راه‌های سعادت‌مندی در زندگی دنیا و آخرت است. به همین انگیزه و نیز ادای دین نسبت به ایشان، اقدام به مصاحبه با استاد محترم حجت‌الاسلام والمسلمین، ناصر باقری بیدهندی^۱ دربارهٔ محدث قمی رحمته کرده‌ایم تا چشمه‌هایی از فضایل و مقام علمی آن محدث بزرگ را به خوانندگان عرضه نماییم.

آفاق: با تشکر از حضرت عالی که قبول زحمت فرمودید و مصاحبه با آفاق را پذیرفتید، لطفاً سخنان ابتدایی خود را دربارهٔ محدث قمی رحمته بیان فرمایید تا سؤالات خود را مطرح کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. دربارهٔ فقید سعید محدث قمی «اعلی الله مقامه الشریف» گفتنی بسیار است و فضایل اخلاقی، معنوی، روحی و فکری ایشان، شایسته است که درباره‌اش ساعت‌های متوالی بحث شود. برای این کم‌ترین، که آثار فراوانی از محدث قمی رحمته را احیا کرده‌ام، مایهٔ افتخار است که به برخی از سجایای اخلاقی و خدمات آن عالم بزرگوار نیز اشاره کنم، هر چند نمی‌شود در این وقت اندک به ابعاد مختلف زندگی ایشان پرداخت و حتی تصویری ناقص از آن شخصیت بزرگ ترسیم نمود. زیرا توصیف او، سیره علمی و عملی‌اش در ده‌ها مصاحبه و مقاله نمی‌گنجد. امید است دیگر ادرات‌مندان به ایشان به تکمیل این بحث بپردازند.

محدث قمی (رحمت فراوان خدا بر او باد) تنها یک عالم دین نبود، بلکه روحانی منتخب، مخلص و خدمت‌گزاری خستگی‌ناپذیر بود که عمر شریف و با برکت خویش را عاشقانه و مخلصانه در راه روشن‌گری، ارشاد و ترویج دین حنیف اسلام و مذهب اهل بیت علیهم‌السلام و تحقیق در حدیث، تاریخ، تراجم، اخلاق و تألیف کتاب‌های ارزشمند و پربها سپری نمود. او بی‌آن که خود را عالم اخلاق یا الگوی اخلاقی یا معنوی بداند، اخلاق نیکو و کردار راه‌گشایش اطرافیان‌ش را به نوعی اخلاق انسانی، هدایت می‌کرد. معتقدات مذهبی او در حد یقین و باور بود؛ مثل همه انسان‌های پاک‌دل، بی‌شبهه و بی‌پایه بود. دانش‌مندی بود که دانشش در خدمت اهل بیت علیهم‌السلام و معارف بلند آنان بود. عالم با عملی بود که توجه عامه را به خود جلب نمود. او چهره‌ای ممتاز، شخصیتی برجسته، نویسندگانه خوش ذوق، کاردان و پرکار، و واعظی معطر و خیرخواه و دل‌سوز بود که تمام هستی خود را در طبق اخلاص گذاشت و تقدیم مکتب تشیع و رهبران

آن کرد. زندگانش از بدو تولد تا هنگامه وصل، سراسر طهارت بود و پاکی. اسلام و پای‌بندی به احکام دین، چنان با جانش سرشته بود که گویی غریزه اویند. او مصداق این کلام حضرت عیسی علیه‌السلام بود که در جواب شخصی که از او پرسید با چه کسی همنشین باشی؟ فرمود: «مَنْ يُذَكِّرْكُمْ اللَّهَ رُؤْيَتَهُ وَ يُزَيِّدْ فِي عَمَلِكُمْ مَنْطِقَهُ وَ يَرْغَبْكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلَهُ» در مجلس کسی حضور پیدا کنید که دارای سه ویژگی باشد:

۱- دیندار او شما را به یاد خدا بیندازد.
۲- گفتار و اندیشه او بر منطق و دانش شما بیفزاید.
۳- کردار او شما را به آخرت تشویق نماید.
این سه اصل در وجود این عالم ربانی مشاهده می‌شده است. فضیلت‌ها و صفات برجسته محدث قمی رحمته در پاره‌ای از صفات و حیثیات گوناگون مانند همهٔ علمای ربانی و روحانیون متعهد بود. یعنی واجد صفات پسندیده و فضیلت‌های متعالی بود. از صفاتی چون اخلاص، صداقت، تواضع، صلابت، سعادت، استقامت، خشیت، خداترسی، سخت‌کوشی، ادب، قناعت، صفا، صمیمیت، رأفت، بصیرت در دین، تسلط بر نفس خویش، همت بسیار عالی و طبع بلند، پیش‌گامی در عمل، بهره‌مند بود. هم‌چنین دارای فضایل

گوناگون و شایستگی‌های متعدد بود و ابعاد مختلف و متنوع شخصی هم داشت که او را از دیگران ممتاز و در جامه یک روحانی واقعی به او اعتباری جاودانه می‌بخشید. ایشان به راستی متخلق به اخلاق اسلامی و متصلب در دین بودند اهل دعا و توسل بودند. به نماز شب مداومت داشتند. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود. همین ویژگی‌ها و روحیات بود که موجب توفیقات شگرف، محبوبیت و کرامتش شده بود.

آفاق: محدث قمی رحمته علاوه بر ویژگی‌های دیگرش، ادیب بوده، جایگاه ادبی کتب او چیست؟
محدث قمی رحمته در ادبیات فارسی و عربی قوی بود. دلیل این امر، ممارست طولانی با احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، منابع تاریخ و تراجم بود. کتاب‌های ایشان از جهت نثر، ادبیانه و بی‌اشکال به حساب می‌آمده و همین سبب شده است که حتی اساتید ادب دانشگاه نیز بر ایشان خرده نگیرند و ایشان را بستایند.

آفاق: آیا محدث قمی رحمته زندگی‌نامه خودنوشت دارد؟

بله، در کتاب علمای معاصرین، ملاعلی واعظ خیابانی که بنده تصحیح کرده‌ام آمده است. و گویا همین اتوبیوگرافی تعریب شده است و در فوائدالرضویه به حرف «عین» که رسیده آثار مکتوب خود را فهرست کرده است.

آفاق: شنیده‌ایم که مرحوم محدث قمی منبرها و جلسات اخلاقی بسیار تأثیرگذاری داشته‌اند، از منبرها و درس‌های اخلاق ایشان نیز برایمان بگویید:

محدث قمی رحمته به امر تبلیغ اهمیت می‌داد، و می‌فرمود: تبلیغ عمل فوق العاده مهم و ارزشمند است که بر عهده انبیای الهی بوده است. کسانی که فیض درس‌ها و منبرهای پرتأثیر این گوینده را درک کرده‌اند، نقل می‌کنند که منبرهای آن مرحوم حدود ۲ ساعت یا ۳ ساعت طول می‌کشید، با این حال طلبه‌ها و مردم خسته نمی‌شدند. وی چون واجد ضمیری پاک و نیتی الهی بود و خود به آن چه می‌گفت عمل می‌کرد، هنگام سخن گفتن، روح آدمی را جلا می‌بخشید. هر کس پای منبر ایشان می‌نشست، یک هفته از گناه مصون می‌ماند. به شیوخ

محدث قمی (رحمت فراوان خدا بر او باد) تنها یک عالم دین نبود، بلکه روحانی منتخب، مخلص و خدمت‌گزاری خستگی‌ناپذیر بود که عمر شریف و با برکت خویش را عاشقانه و مخلصانه در راه روشن‌گری، ارشاد و ترویج دین حنیف اسلام و مذهب اهل بیت علیهم‌السلام و تحقیق در حدیث، تاریخ، تراجم، اخلاق و تألیف کتاب‌های ارزشمند و پربها سپری نمود.

خطبا تعظیم می کرد و پناهگاه گویندگان و وعاظ جوان بود و فرزند برومندش حاج میرزا علی محدثزاده به توصیه پدر به جمع اهل منبر و وعظ پیوسته بود. روزی خدمت مرحوم آیتالله حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته عرضه داشتند، نظر شما نسبت به منابر حاج شیخ عباس چیست؟

با یک دنیا ادب فرمودند: هر طلبه‌ای را که کنار منبر و پای موعظه محدث مشاهده کنم، تا سه روز حاضرم تمام نمازهای واجب خود را به او اقتدا کنم، زیرا موعاظ این مرد در شئون ابداع روح عدالت می کند. ایشان وقتی در منبر حدیث مسندی را نقل می کرد به بررسی رجال سند نیز می پرداخت.

آفاق: در جریان مشروطه محدث قمی چه عقیده‌ای داشتند؟

ایشان با انقلاب مشروطه میانه چندان نداشت و جانب مشروطه طلبان را گرفت.

آفاق: آیا محدث قمی رحمته در منابر از نظام‌های طاغوتی انتقاد کرده است؟

بله، از این رو به جرم افشاکاری علیه آمریکایی‌ها در مشهد مقدس از سوی تشکیلات کمیته مجازات دمکرات مشهد که در تروور برخی از بزرگان دست داشتند، تهدید به مرگ شده بود. **آفاق: محدث قمی رحمته آثار مکتوب بسیاری داشته‌اند، لطفاً اهم آن‌ها را ذکر کنید.**

محدث قمی رحمته، از جمله محدثان و عالمان پرکاری بود که در طول عمر پر برکتش با قلم و تالیف سروکار داشت. آثار ارزشمند آن مرد نامدار که خواندنی و متبرک است، از قلمی گویا و رسا و محتوایی متقن و محکم نیز برخوردار بود. آثارش، نشانه تعهد به آستان قرآن و عترت بود. اکثریت مردم درس خوانده و اهل مطالعه، محدث فقید را به عنوان مؤلف کتاب گران سنگ «مفاتیح‌الجنان» می‌شناسند.

محققان و پژوهشگران از «سفینه‌البحار» که سواران «سفینه» را در «بحار» علم به ساحل تحقیق می‌رساند و معرف روح متجسس و دقیق اوست و حاصل روزگارن مدید و طولانی فعالیت‌های علمی آن بزرگ محسوب می‌شود، بهره می‌برند. در آخرین کتاب‌شناسی صورت گرفته، شماره آثار محدث قمی رحمته به رقم ۸۵ رسیده است.

در طبقه‌بندی موضوعی به این نتیجه می‌رسیم که بیش‌تر آثار محدث قمی رحمته در زمینه‌های فقه‌اللغه، قرآن و حدیث، تاریخ‌اهل بیت علیهم‌السلام، تراجم علما و مباحث اخلاقی و فقهی

است. به خاطر دارم که استاد علی دوانی در مفاخر اسلام، جلد ۱۱، تالیفات ایشان را بر حسب علوم و فنون دسته‌بندی کرده است. شایان ذکر است که شماری از آثار ایشان به زبان‌های دیگر ترجمه و منتشر شده است.

آفاق: افزون بر آثاری که در دسترس است، آیا آثار خطی هم دارید؟

آری، در مفاخر اسلام، جلد ۱۱ و فهرس کتب خطی کتاب‌خانه‌ها، نام آن‌ها ثبت شده است. آفاق: فکر می‌کنید چرا کتاب ارزشمند مفاتیح‌الجنان این همه جا افتاده است؟ کتاب جامع و ارزشمند مفاتیح هم چون چشمه‌ای زلال و جوشنده است که تشنگان معنویت

او چهره‌ای ممتاز، شخصیتی برجسته، نویسنده‌ای خوش ذوق، کاردان و پر کار، و واعظی متعظ و خیرخواه و دل‌سوز بود که تمام هستی خود را در طبق اخلاص گذاشت و تقدیم مکتب تشیع و رهبران آن کرد.

و دعا و زیارات را سیراب می‌سازد. مؤلف در مقدمه انگیزه خود را ذکر کرده است. اما راز جا افتادن و رواج آن را باید در تخصص و احاطه وسیع محدث قمی رحمته بر آثار اهل بیت علیهم‌السلام و کتب دعا و زیارات علمای سلف و اخلاص و تقوا و حسن سلیقه و ترتیب دل‌پذیر او جستجو کرد.

همین جا باید اضافه کنم که محدث قمی رحمته در این کتاب سعی داشته مطالبی که بدون سند است را ذکر نکند و تنها به جمع‌آوری ادعیه هم، همت نگماشته، بلکه به مناسبت‌های مختلف، فزاینده‌ای از تاریخ و نکات سودمندی را آورده است.

در ارتباط با مفاتیح، داستان‌های زیادی خوانده و یا شنیده‌ایم؛ آخرین آن‌ها حکایتی است از استاد بزرگوار اخلاق آیتالله مظاهری که در دفتر ایشان در اصفهان شنیدم که فرمودند: در یکی از ایام زیارتی حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، خاتم‌المحدثین قمی عزم تشریف به حرم و عتبه‌بوسی حضرت را داشتند. ازدحام جمعیت به حدی زیاد بود که مرحوم محدث قمی توفیق پیدا نکرد به حرم مشرف شود، بسیار معوم و ناراحت بود. عالمی او را در این حال دیده بود و توانسته بود به حرم رفته و زیارت کند، در بازگشت باز محدث قمی را می‌بیند که منتظر خلوت شدن حرم است. به او می‌گوید: حاج شیخ ناراحت نباش، وقتی به حرم مشرف شدم، دیدم هزار حاج شیخ عباس قمی مشغول زیارتند. منظورش زائرانی بود که هر کدام «مفاتیح» حاج شیخ را در اختیار داشته و زیارت می‌کردند.

آفاق: شنیده‌ایم که بعد از انقلاب اسلامی، از سوی یکی از مراکز فرهنگی معتبر، پیشنهاد تالیف کتاب دعایی به شما شده که کتاب دعا و زیارتی که از هر نظر جامع و متناسب عصر و زمان ما باشد، فراهم نماید، با آن پیشنهاد چه کردید؟

همین طور است. آن مرکز سه دستیار نیز برای انجام این کار در نظر گرفته بود. اما بنده طی نامه‌ای مستدل، گفتم این کار و لو توسط چهره‌های علمی شناخته شده نیز انجام بگیرد، باز مانند مفاتیح‌الجنان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. گیریم فردی که به چنین کاری دست می‌زند، از ذوق سرشار و سلیقه بسیار خوب و احاطه وسیع بر ادعیه و زیارات، برخوردار باشد، آیا خلوص نیت محدث قمی رحمته را هم دارد.

البته اگر تکمله ای بر مفاتیح نوشته شود و ادعیه ای که لازم است و جایش خالی است در آن گنجانده شود جا دارد.

همین جا خوب است اشاره کنم سه تن از اساتید حقیر اقدام به تألیف و تدوین کتاب دعای جدید کرده‌اند، حضرات آیات: علی مشکینی اردبیلی رحمته، ناصر مکارم شیرازی، سیدمحمدحسن مرتضوی لنگرودی (ره). اثر اخیر منتشر نشده که توسط استادزاده دانشمند به بنده حقیر پیشنهاد شده که آن را منتشر نمایم. از خداوند متعال می‌خواهم که توفیق نشر آن نصیب گردد.

آفاق: آیا محدث قمی غیر از تالیف، فعالیت‌های علمی دیگری نیز داشته است؟

بله، با استاد خود محدث نوری همکاری مستمر داشته و از تعریف و تمجیدهایی که درباره آن پاک‌مرد بزرگ‌منش در فوایدالرضویه و الکنی والاقاب دارد، معلوم می‌شود که بیش‌تر از دیگر اساتیدش به او دل‌بستگی داشته و از او تأثیر پذیرفته است.

آفاق: از روابط محدث قمی رحمته با استادش محدث نوری رحمته چه اطلاعاتی دارید؟

محدث قمی رحمته در خلال دوران تحصیل خود به محضر اساتیدی مبرز راه یافته و از انفاس قدسی مربیان بزرگی مدد گرفته. اما بیش از همه نزد محدث نوری رحمته بوده است. گفته‌اند بهترین رابطه‌ای که معمولاً بین استاد و شاگرد وجود دارد، بین محدث قمی رحمته و استادش محدث نوری رحمته برقرار بوده است.

آفاق: ویژگی آثار ایشان را در چه می‌بینید؟

برخی از ویژگی‌ها به اجمال عبارتند از: مستندنویسی؛ متقن‌نویسی (اعتبار داشتن و استناد به مأخذ) توأم با سلیقه خوب؛ تتبع همراه با تحقیق او در آثارش هویدا است. رعایت اصول ادبی و ارائه نثری روان در کلیه آثار به دلیل آشنایی عمیق بر ادبیات فارسی و عربی؛ دریافت صحیح و برداشت درست؛ اعتماد و اتکاء بیش‌تر به منابع شیعی در عین استفاده از منابع عامه عفت قلم؛ اعتدال در تجلیل از شخصیت‌ها در کتاب‌های تراجم؛ عمومی کردن معارف دینی به وسیله آثاری از قبیل مفاتیح و الفصول العلیه، منازل‌الآخره و... نقادی، تجدیدنظر در برخی مطالب که در آثار پیشین خود گفته است. گرچه آثارش در یک سطح نیست اما مشحون از معنویت و نورانیت مطالب حکمی و اطلاعات مفید دینی، ادبی، تاریخی و اخلاقی است لذا با اقبال عامه مواجه شده است و همگان به فراخور حال خویش از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند. به عبارت دیگر:

توأم بودن اتقان مطلب با حسن سلیقه و روشنی بیان و تقوای نویسنده همراه نقادی و امانت‌داری در ارائه مطلب به آثار محدث قمی رحمته غنای خاص و ارزش مضامینی بخشیده است. آثار او عمدتاً بر محور ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و احیای نام و تاریخ و سیره و سنت آن ذوات مقدس دور می‌زند.

آفاق: در تاریخ‌نگاری چه شیوه‌ای دارند؟

حلقه واسط بین تاریخ نقلی و تحلیلی است.

آفاق: تألیفات تاریخی ایشان در چه زمینه‌ای است؟

محدث قمی رحمته با عشق و علاقه فراوان و توان فرسا و ذوق سرشار، در پای پهنانور تاریخ، رجال و تراجم فرورفته و در نتیجه به جوهرات گران‌بهای دست یافته است و در قالب‌های مختلف تاریخ‌نگاری قلم زده است، درباره زندگی چهارده معصوم علیهم‌السلام منتهی‌الامال، الانوار البهیه، قره الباصرة فی تاریخ الحجج الطاهرة را نوشته است.

درباره پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، کحل البصر فی سیره سیدالبشر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

درباره مقتل و زندگی‌نامه سیدالشهداء علیهم‌السلام، چند اثر دارد: نفس المهموم، نفثة المصدور و ترجمه ملهوف مرحوم سیدبن طاووس.

درباره اصحاب و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تحفه الاحباب فی نوادر الاحباب را منتشر کرده است درباره خلفا تنمته‌المنتهی را نوشته است.

درباره علما و فضلا نیز چند اثر ارزش‌مند خلق کرده است که عبارتند از: الکنی و الالقاب، هدیه الاحباب و رساله‌ای در طبقات.

تاریخ‌نگاری محدث قمی رحمته

آفاق: ویژگی تاریخ‌نگاری مرحوم محدث قمی رحمته چیست؟

ورود به رشته تاریخ مقدماتی دارد که محدث قمی رحمته با موفقیت این مقدمات را در زمانی که این علم و دانش‌های وابسته به آن در حوزه جایگاه خاصی نداشت و دانش اصلی محسوب نمی‌شد، پشت‌سر گذاشته است. و به دلیل تخصصی که در علم حدیث، رجال، تراجم دارد، در رشته تاریخ موفق عمل کرده است و نقادانه به بررسی و تحلیل روایات به ویژه متون تاریخی و مرویات مربوط به آن پرداخته است. محدث قمی رحمته کارش صرف تاریخ‌نگاری نیست. گویا در تاریخ نیز دنبال اهداف دیگری می‌گردد.

برخلاف دیگر مورخان ایشان چهارده معصوم پاک علیهم‌السلام را محور قرار داد و زندگی خلفا را نیز بحث کرده‌اند. علاوه بر تنوع در رشته‌ها و شعب مختلف تاریخ‌نگاری، از منابع تاریخی و حدیثی به طور هم‌زمان استفاده می‌کند. از مطالب سست و

خرافی پرهیزی می‌کند. و از نقادی غافل نیست. هنر ایشان بیش‌تر در گزینش و تبویب خوب و انتقان مطالب و توجه به اخلاق تاریخ‌نگاری است.

آفاق: گفتید محدث قمی رحمته در تاریخ، اهداف دیگری را مدنظر دارد آن اهداف کدامند؟



محدث قمی رحمته در ضمن نوشتن شرح حال پیشوایان، به فضایل و مناقب و سخنان نغز و فرزندان و بازماندگان و اصحاب آنان نیز توجه کرده است. ایشان در تنمته‌المنتهی با این که تاریخ، خلفا را ذکر می‌کند، باز دنبال اهل بیت علیهم‌السلام و یا راه آن‌ها می‌گردد، هم‌چنین به مسایل فرهنگی جهان اسلام توجه دارد. لذا عالمان هر دوره را نیز در آثار تاریخی خود آورده است و گاهی به داستانی از زندگی آن عالم اشارتی دارد.

محدث قمی رحمته بین فعل خوب و فاعل بد تفکیک قایل شده و به کار خوب فردی که خوش‌نام نیست ارزش می‌دهد که نتیجه این کار عدم تحریف در تاریخ‌نگاری است.

به عنوان نمونه در تنمته‌المنتهی در کیفیت قتل امین، از احمدبن سلام که هم‌بند با امین بوده، نقل شده که در شبی که احتمال مرگ را می‌داد، می‌گوید: ترسیدم نماز شبم را نخوانده، مرا بکشند، زود برخاستم برای نماز! ایشان پس از نقل این تکه تاریخی می‌نویسد: غرض من از نقل قضیه احمدبن سلام یک مطلب بود و آن بیان آن که ناظرین بدانند که سابقین چگونه مواظب بودند بر نماز شب و نوافل لیلیه که این مرد با آن که ظاهر می‌نماید که از غلامان محمدامین بود، و از عباد و زهاد نبوده، و در حالی که محبوس است و از حیات خود مأیوس، چگونه اهتمام به تهجد دارد و می‌ترسد که کشته شود در حالی که نماز او فوت شده باشد، از برای اهل غیرت مذهب جعفری این قضیه پند عظیمی است.

آفاق: اشاره کردید که محدث قمی رحمته در نگارش تاریخ، اخلاق تاریخ‌نگاری را مورد توجه قرار می‌دهد ممکن است، کمی توضیح دهید:

بله، او قویاً متأدب به آداب و فضایل اسلامی بود، همواره نهایت کوشش بر این داشت که؛ پندار، گفتار و رفتار خود را با مقررات و دستورات دینی منطبق سازد و جانب ادب را نسبت به دیگران رعایت کند. به عنوان نمونه در الفوائدالرضویه، جلد ۲، صفحه ۳۳۶، پس از شرح حال محمدبن حسن بن درید آزدی قحطانی معروف به ابن درید، ایشان هم‌چون ابن شهر آشوب، شیخ حرعاملی و قاضی نورالدین شوشتری، وی را شیعه قلمداد کرده، آن‌گاه می‌گوید: «لکن صاحب روضات حکم به مخالفت او کرده»؛ محدث قمی رحمته فرمایش او را نمی‌پذیرد و به صاحب روضات متذکر می‌شود که لکن تعبیر شما نسبت به او خارج

از قانون ادب و تاریخ‌نگاری است... در جای دیگر که صاحب روضات مشی صحیحی داشته، کار او را می‌ستاید.

در مواردی که در مسأله یا موضوعی تاریخی، دو قول وجود دارد، یکی از مورخ و دیگری از متخصص در فن دیگر، قول مورخ را ترجیح می‌دهد. مثلاً در وقایع الایام در حوادث ۳۹

ذی‌الحجه می‌گوید: شیخ بهایی فرموده که در این روز (سال ۲۵۲ هجری)، مستعین بالله هلاک شده، محدث قمی در این جا می‌گوید: حقیق، قول مسعودی را اختیار کردم و قتل او را ششم شوال ثبت می‌کنند، آن‌گاه می‌گوید: نزد اهل دانش مسلم است که در امثال این مقام، کلام مسعودی و امثال او از مورخین و معتمدین بر عقیدت فقیه مقدم است.

در بازسازی حادثه پراساس متون کهن موفق عمل کرده است. مثلاً از ترکیب چند کتاب کهن و بعض منابع دیگر «نفس‌المهموم» را نوشته و توجه داشته که چیزهای سست و منفی را نیاورد.

مرحوم حاج شیخ عباس رحمته درست تشخیص داده که مقتل فعلی که به نام ابی مخنف معروف است از ابی مخنف نیست. در مقدمه نفس‌المهموم می‌نویسد: نزد من ثابت و محقق گردیده است که این مقتل از ابی مخنف معروف و یا مورخ معتبر دیگری نیست و چیزی که اظهارنظر در آن مقتل یافت شود، یا دیگری نقل نکرده باشد، اعتماد را نشاید.

ایشان فقط به نقلیات بسنده ننموده بلکه در مسایل و مطالب مورد اختلاف، نظر قطعی خود را اظهار نموده که به چند نمونه اشاره می‌کنم.

پس از نقل ماجرای پسران مسلم می‌نویسد: «شهادت این دو طفل با این کیفیت و تفصیل نزد من مستبعد است.»

۲- حضور مادر حضرت علی اکبر علیه‌السلام را

در کربلا نمی‌پذیرد.

۳- قصه دامادی جناب قاسم... صحت ندارد.

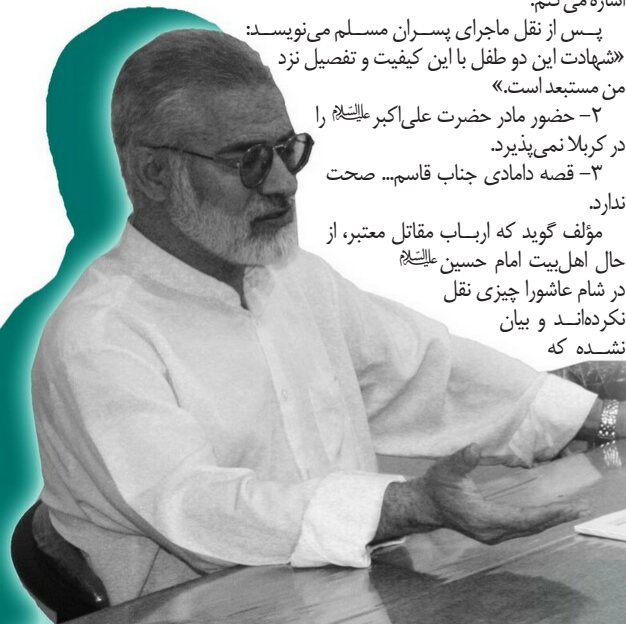
مؤلف گوید که ارباب مقاتل معتبر، از

حال اهل بیت امام حسین علیه‌السلام

در شام عاشورا چیزی نقل

نکرده‌اند و بیان

نشده که



چه حالی داشتند و چه بر آن‌ها گذشته تا ما در این کتاب نقل کنیم

خبر مسلم جصاص و این که نسبت شکستن سر به جناب زینب علیها السلام که در کوفه و اشعار معروفه (یا هلالا لئا استم کمالا) نیز بعید است از آن مخدره.

در این خصوص می‌فرماید: «ذکر محامل و هودج در غیر خبر مسلم جصاص نیست و این خبر را اگر چه علامه مجلسی نقل فرموده، لکن مأخذ نقل آن منتخب طریحی و کتاب نورالعین است که حال هر دو کتاب بر اهل فن حدیث - مخفی نیست.»

آفاق: آیا این نقل‌ها را می‌توان به حساب تحریف‌زدایی محدث قمی رحمته الله از تاریخ عاشورا دانست؟

خبر، برگشتن از یک نظر، یا بی‌اعتبار دانستن یک نقل، با تحریف‌زدایی متفاوت است.

استفاده از منابع دست اول و معتبر آفاق: درباره کتاب نفس المهموم هم توضیح دهید:

در تحریر نفس المهموم بیش از صد مأخذ داشته که از میان آن‌ها به هجده مصدر بیشتر اعتماد کرده است. جدا در تألیف این اثر گران سنگ زحمت کشیده، خود او در این باره می‌گوید:

«همانا معلوم باشد که این احقر، مطالب این مقتل شریف را به کد اکید و تعب شدید از کتب معتبره و تواریخ معتمده جمع آورده و در سلک انتظام کشیدم و در نهایت اتقان و احکام نگاشتم، چنان چه بر اهلس پوشیده نیست»

آفاق: بخشی از کار ایشان مربوط به تراجم است. تصور چنین است که حوزه‌های شیعی به این بخش از تاریخ کمتر توجه داشته‌اند و افرادی مثل محدث قمی رحمته الله اندک‌شمار هستند، آیا شما چنین نظری دارید؟

درست است که در این زمینه و حتی در تاریخ نسبت به سایر دانش‌ها در حوزه‌ها، کمتر توجه شده است ولی این طور نیست که کار نشده باشد. بنده در دو کتاب خود، آئینه تلاش

(کتاب‌شناسی تراجم و رجال) و درآمدی بر تراجم‌نگاری و تراجم‌نگاشته‌ها نمونه‌هایی را بیان کرده‌ام.

آفاق: آیا کارهای تاریخی ایشان در دیگر نویسندگان شیعی تأثیر گذاشته است؟

بدون شک، تأثیر پایدار و فناناپذیری داشته و خواهد داشت.

آفاق: در مورد علاقه محدث قمی رحمته الله به حدیث کمی صحبت کنید:

علاقه محدث قمی رحمته الله به حدیث به حدی زیاد بوده که عالم معروف حاج آقا احمد قمی رحمته الله در اواخر عمرش به عیادتش می‌رود و از او احوال‌پرسی می‌کند: حاج شیخ عباس می‌گوید: چند روز است که نتوانسته‌ام حدیث بخوانم و بنویسم! و شروع به گریه می‌کند و سخت می‌گرید!

مرحوم روحانی به فرزند بزرگ آن مرحوم می‌گوید: کتاب حدیثی در اختیارش بگذارید، جلد هفت بحارالانوار را در اختیارش می‌گذارند. وی پس از خواندن چند حدیث انبساطی پیدا می‌کند! و وقتی هم به درد چشم مبتلا می‌شود بعد از آن که از معالجه نتیجه نمی‌گیرد از همسرش می‌خواهد کتاب شریف اصول کافی را برایش بیاورد و ایشان یکی دو بار کتاب را به چشم خود می‌کشد.

آفاق: معروف است که مهم‌ترین کتاب محدث قمی رحمته الله، سفینه البحار است، در صورت امکان کمی در مورد آن توضیح دهید؟

محدث قمی رحمته الله برای تسهیل کار پژوهش‌گران و

آسان‌یاب‌سازی دایرة المعارف شیعی بحارالانوار، آن را دو نوبت به مطالعه می‌گیرد و سپس با ذوق سرشار و سلیقه خوبی که دارد احادیث ناب را به‌گزین و با چینش مناسب و آوردن حداقل یک حدیث در هر موضوع و بیان گزیده‌ای از تحقیقات فراوان مجلسی‌دوم در موضوع مورد بحث، و افزودن اطلاعات مفید (ترجمه حال برخی از اصحاب، عالمان، اشعار شعرا و حکایات سودمند) در جاهای مورد نیاز، اثر پرمایه و ارزش‌مند سفینه‌البحار را در طی بیش از بیست سال به صورت قبایلی تألیف کرده

است. مطالبی که در بحر در جای خود قرار نگرفته ایشان آن را در سفینه در جای خود قرار داده است.

احترام به کتاب

آفاق: معروف است، محدث قمی رحمته الله، نسبت به قرآن و کتاب‌های حدیث بسیار احترام می‌گذاشت، یادآوری این موضوع نیز سودمند خواهد بود.

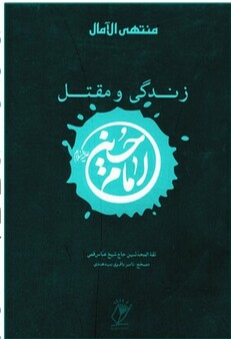
یکی از صفات بارز این گوهرشناس، احترام به قرآن و سنت و کتاب‌های حدیثی بوده است. در این باره شواهدی نیز در دست است. افزون بر این، ایشان اهتمام فوق‌العاده‌ای به حفظ کتاب به ویژه کتب خطی داشته است.

آفاق: درباره سجایای اخلاقی و ملکات روحی آن مرحوم هم کمی صحبت کنید:

محدث قمی رحمته الله عالمی وارسته، و انسانی کامل و متخلق به اخلاق عالی اسلامی و ملکات فاضله انسانی بود. او نفس خود را از قرار گرفتن در مسیر غیر الهی نگه داشت و با تمام وجود، دین خود را حفظ نمود و تا آن‌جا که در توان داشت از مکتب، پاس‌داری و نگاه‌داری نمود. از سیما و قیافه‌اش آثار صداقت و صفا و نجابت و خداترسی ظاهر و هویدا بود. بیانی شاکر و دل و زبانی ذاکر داشت، با رفتار و گفتار و کردارش مروج دین حنیف بود، و معارف حقه الهیه را معرفی می‌کرد.

جدیدت و تلاش برای مطالعه و نوشتن

از ویژگی‌های ایشان این بود که علاقه زایدالوصفی به مطالعه و کتابت داشته است. هم‌درس و هم‌دوره‌اش آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی، درباره او می‌نویسد: «... او پیوسته سرگرم کار بود، عشق شدید به نوشتن و تألیف و بحث و تحقیق داشت. هیچ چیز او را از این شوق و عشق منصرف نمی‌کرد و مانعی در این راه نمی‌شناخت و در این زمینه داستان‌های زیادی از ایشان نقل شده، از جمله فرزند ارشد آن مرحوم، حجت‌الاسلام حاج میرزا علی محدث‌زاده که به تعبیر استاد شهید مطهری رحمته الله، بسیار مرد صالح و با ایمانی بود - نقل کرده است که: «در اول کودکی با مرحوم والد هر وقت از شهر خارج می‌شدیم، از اول صبح تا به شام مرتباً به نوشتن و مطالعه مشغول بودند». در کتاب پندهای از رفتار علمای اسلام آمده است: «مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله با جماعتی از تجار به سوی سوریه مسافرت نمود، آنان می‌گفتند هر وقت ما به سیاحت می‌رفتیم، ایشان می‌نشست و مشغول مطالعه و تألیف می‌شد و هر چه اصرار می‌کردیم که با ما بیرون بیاید، امتناع می‌ورزید و شب‌ها هم که ما می‌خوابیدیم او مشغول مطالعه و تألیف می‌شد». مرحوم محدث قمی رحمته الله در سفر، رعایت حال همراهان را می‌کرد و با آنان فوق‌العاده



خوش رفتاری می نمود، انس می گرفت و به طوری که نوشته اند در مسافرت، فردی شوخ طبع، خوش گفتار و نیکو رفتار بود. وی بدون مبالغه از آن هایی بود که به قول سعدی:
عزم رحیلش بدل شود به اقامت
چشم مسافر چو بر جمال تو افتد

زهد و تقوا و بی اعتنایی به دنیا

ویژگی دیگر ایشان را در زهد و بی علاقه بودن نسبت به دنیا و مظاهر فریبنده آن ذکر کرده اند. راستی که تقوا و دوری جستن از سرمایه دنیایی از نشانه های دانش مندان حقیقی است. جایگاه بلند ایشان در زهد، مشهورتر از آن است که نیازی به گفتار باشد. و در این زمینه داستان های بسیاری نقل شده است که حد و اندازه زهد و اعراض او را از دنیا و متاع آن آشکار می سازد، از باب نمونه: روزی دو بانوی محترم که ساکن بمبئی هند بودند، حضور آن مرحوم می رسند و اظهار تمایل می کنند که هر ماه مبلغ ۷۵ روپیه به ایشان هدیه نمایند و ایشان از پذیرفتن آن خودداری کرده و در مقابل اعتراض یکی از فرزندان خود می گویند: «ساکت باش. من همین مقداری که هم که الان خرج می کنم، نمی دانم فردای قیامت چگونه جواب خدا و امام زمان (عجل الله الی فرجه الشریف) را بدهم، در جواب این مقدار هم معطل هستم، چگونه بارم را سنگین تر کنم؟»

آری گذران زندگی ایشان در تمام مدت عمر همراه با قناعت و عزت نفس بوده است.

مجسمه تواضع و فروتنی

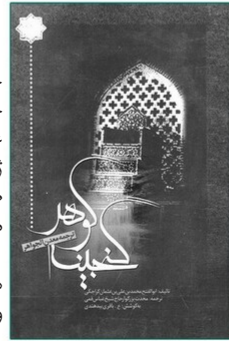
یکی دیگر از ملکات روحی و سجایای اخلاقی آن مرحوم، تواضع بسیار و همه جانبه ای بود که از خود نشان می داد. در خانه و مدرسه و خیابان، هر کس را که می دیدند از کوچک و بزرگ، غریب و قریب، خصوصا علما و از بین آنان بیش تر به کسانی که با حدیث و اخبار اهل بیت (علیهم السلام) سروکار داشتند - فروتنی می نمود و هیچ گاه در مجالسی که وارد می شد در صدر مجلس نمی نشست و هرگز خود را بر دیگران مقدم نمی داشت. آثار صدق و صفا از رخسار و رفتار وی هویدا بود. در هنگام بحث و نوشتن، در پی آن نبود که دانش خود، سابقه قلمی و مانند آن ها را به رخ دیگران بکشد. در فوئدالرضویه، ذیل نام عباس بن محمد رضای ابوالقاسم قمی، فروتنانه می نویسد: «چون این کتاب شریف در بیان احوال علماست، شایسته ندیدم ترجمه خود را که احقر و پست تر از آنم که در عداد ایشان باشم، در آن درج کنم! لذا از ذکر حال خود صرف نظر کرده، اکتفا می کنم به ذکر تألیفات خود.»

احتراز از خودستایی

از هوای نفس خالی و رها بود. یک ذره در گفتار و رفتارش هوا وجود نداشته است. از خودستایی و خودپسندی به شدت احتراز می کرد و به هیچ وجه غرور نداشت و با همه اطلاعاتی که در تاریخ و اخبار و احادیث داشت، بسیار اتفاق می افتاد که کتاب را همراه خود به منبر می برد و از رو برای مستمعین نقل حدیث کرده و یا روضه می خواند.

نفوذ کلام

از ویژگی های دیگر ایشان نفوذ کلمه بود، چون سخنان و گفتارش از دل برمی خواست و خود به آن ها معتقد بود و قبل از دیگران به آن ها عمل می کرد، در شنوندگان و مخاطبین تأثیری ژرف و پایدار داشت. برخی از آنان که شرف صحبتش را دریافته و پای درس های اخلاق و مواظب سودمند ایشان حاضر می شدند گفته اند: «سخنان نافذ آن مرحوم چنان بود که تا یک هفته انسان را از تمامی سینات و پندارهای ناروا و گناهان بازمی داشت و به خدا و عبادت متوجه می کرد». چه بسا کسانی، که خوش نام نبودند و



پس از افاضه حاج شیخ رو به کوی مردمی و انسانیت آورده بودند

اخلاص

از ابعاد مهم شخصیت محدث قمی (رحمه الله) اخلاص ایشان بوده است. روح اخلاص و یقین و قداست و خلوص نیت، در اعمال آن عالم ربانی جاری بود. جزء اولین کتاب هایی که محدث قمی نوشت منازالآخره بود. پدر ایشان

روزها پای منبر می رفت. یک روز منبری گفت: آقایان کتاب خوبی چاپ شده، به نام منازالآخره. از روی آن یکی دو تا حدیث می خوانم. پدر اشپخ عباس آمد منزل، با تندگی گفت: پسر جان! چرا عمرت را ضایع می کنی؟! بین علما منازالآخره می نویسد، چقدر مفید! امروز این آقا دو تا حدیثش را خواند کیف کردم. تو

کنار اتاق با این کتابها بازی می کنی! ای کاش می توانستی چند تا از گفته های او را نقل کنی. اشپخ عباس بعدها فرموده بود: هر چی به خودم فشار آوردم که بگویم: بابا جان! این کتاب را من خودم نوشته ام، دیدم خلوص از بین می رود! فرمود: «العمل الخالص الذی لا یرید ان یحمدک علیه احد الا الله. عمل خالص آن است که (اصلا در دل) نخواهی کسی غیر خدا تو را ستایش

کند.»

خلاصه مسأله را کتمان می کند. و خداوند منان اجر تلاش و زحمات او را به این شکل نشان می دهد.

عبادت، تهجد و نیایش

یکی دیگر از خصلت های پسندیده آن مرحوم، پای بندی به نماز شب و شب زنده داری و قرائت قرآن و تلاوت ادعیه و اوراد و اذکار مأثور، از ائمه معصومین (علیهم السلام) بود و در این رابطه فرزند بزرگش می گوید: «تا آن جا که من به خاطر دارم بیداری آخر شب از آن مرحوم فوت نشد، حتی در سفرها.» او مانند شیخ طوسی که نخست خود به مصباح المتهجد عمل کرد، قبل از دیگران خود به مفاتیح الجنان عمل می کرد.

فرزند محدث قمی (رحمه الله) می گوید: روزی پدرم از خواب بیدار شد و شروع به گریه کرد. پرسیدم: پدر چرا گریه می کنی؟ پدر فرمود: شب خواب ماندم و فضیلت نماز شب از من فوت شد. گفتم: نماز شب یک عبادت مستحبی است، واجب نیست که شما از ترک آن غیبه بخورید و این گونه گریه و ناله ننمایید، شما فقط فریضه ای را ترک کرده اید، و حرامی را مرتکب نشده اید، پس چرا این گونه ناراحت هستید؟ فرمود: فرزندم! ناراحتی من به خاطر ترک واجب و ارتکاب حرام نیست، بلکه ناراحتی من از آن جهت است که چه کاری از من سر زده که توفیق نماز شب از من سلب گردیده!

اکرام سادات

خصیصه دیگر ایشان این بود که در عمل به این دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرمود: «اکرموا اولادی...! فرزندانم را اکرام و احترام کنید...!» بی اختیار بود و آنان را (سادات) اکرام می کرد و بزرگ می داشت. گویند قبل

از وفات، آب سبزی برایش گرفته و آوردند. دخترکی خردسال از سادات در منزل آن عزیز بود. محدث قمی (رحمه الله) گفته بود: اول بدهید این دختر بچه علویه از آن بنوشد، بعد بدهید به من! پس از آن که دخترک نوشید، باقیمانده را به قصد استشفاء سرکشید. به راستی

هر کس او را می دید بیت زیر را برایش تداعی می شد:
عابد و زاهد و صوفی همه طفلان رهند
مرداگر هست به جز عالم ربانی نیست

علاقه محدث قمی (رحمه الله) به حدیث به حدی زیاد بوده که عالم معروف حاج آقا احمد قمی (رحمه الله) در اواخر عمرش به عیادتش می رود و از او احوال پرسسی می کند: حاج شیخ عباس می گوید: چند روز است که نتوانسته ام حدیث بخوانم و بنویسم! و شروع به گریه می کند و سخت می گرید!

مجسمه اخلاق

کسانی که محضر پرفیض آن فقید سعید را درک کرده‌اند، معتقدند که ایشان مجسمه اخلاق بود در مدت زندگی از زی طبلگی خارج نشد، در حقیقت، زندگی او یک درس عملی برای ما طلبه‌ها بود. او در حقیقت، مصداق «عباد الرحمن» بود که در آیات سوره فرقان، چهارده نشانه برای آنان یاد شده است. و نیز مصداق اوصاف متقین است که امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه همام در پاسخ به همام که از اصحاب آن حضرت بود بیان فرمود:

خلاصه، هر کس معاشرتی با ایشان داشته، شیفته رفتار و اخلاقی و منش ایشان می‌شده است.

پشت کار

نکته دیگری که باید همه ما از آن درس بگیریم، پشت کار و پرکاری ایشان بود که از فرصت‌ها، بهترین استفاده را می‌کردند نمی‌گذاشتند وقت هدر رود و از وقت بهره‌نگیرند. گاه به کسی که به دیدنش می‌رفت و کاری جز دیدن نداشت، توصیه می‌کرد کتابی بردارد و مطالعه کند. در امر تحقیق بسیار پرحوصله، توانا و با سلیقه بود، و گزینش بسیار سنجیده داشت.

توسل به اهل بیت (ع)

محدث قمی در فوائد الرضویه ضمن بیان شرح حال اجمالی مرحوم آیت‌الله سیدعبدالله شبر که سر کثرت تصنیفات خود را توجه و عنایت حضرت موسی بن جعفر (ع) دانسته است فرموده: مطلب چنین است که سید فرمود، زیرا من نیز هر گاه به اهل بیت متوسل می‌شوم، توفیق عظیم در خود می‌یابم و قلم به نوشتن جاری می‌شود و گاهی که توفیق توسل ندارم، ماه‌ها بر من می‌گذرد و حال آن که نتوانستم جزوای بنویسم. پس تمام آن چه نگاشتم از برکات اهل بیت اطهار (ع) است.

باز در شرح حال علامه سید نعمت‌الله جزایری که به دلیل فقر و نداری و عدم استفاده از چراغ در وقت مطالعه که از نور ماه استفاده می‌کرد و چشمانش ضعیف شده بود و با بهره‌گیری از تربت مقدسه امامان و خاک حرم‌های امامان نور چشمش زیاد شده می‌نویسد: من نیز هر گاه در چشمم به خاطر زیاد نوشتن ضعیفی پیدا می‌شود، از خاک حرم‌های ائمه اطهار (ع) استفاده می‌کنم و گاهی احادیث و اخبار اهل بیت را به چشم‌انمی‌مالم. به حمدالله چشمم در نهایت روشنایی است و امیدوارم آن‌شاءالله در دنیا و آخرت چشمم به برکت ایشان روشن باشد.

آفاق: شنیده‌ایم مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته حتی الامکان از وجوهات شرعی استفاده نمی‌کرد.

بله، از همان دوران جوانی تلاش می‌کرد حتی الامکان از سهم مبارک امام علیه السلام استفاده نکند و با حقوق اندک تالیف و تبلیغ و کمک مختصر یکی از بازاربان متدین تهرانی امرار معاش کند. و در صورتی که اموال اضافی به دست می‌آورد وجوهات آن را پرداخت می‌کرد.

علامه سیدمرتضی نجومی در این باره داستانی را نقل کرده‌اند که شنیدنی است. ایشان نقل می‌کند که: در ایام تشریف به نجف اشرف، به حکم ضرورت و نیازم کتاب شریف روضات الجنایات، چاپ سنگی قدیم در دو جلد خریدم که قبلاً متعلق به مرحوم حاج شیخ بوده است. آن مرحوم با خط شریف خود با مرکب قرمز پشت صفحه اول هر جلد نوشته‌اند، خمس این جلد داده شده است. سپس با مرکب سیاه به مهر شریف‌شان «المذنب عباس» مهر نموده‌اند.

علامه نجومی بعد از نقل این داستان گوید: بنگرید، داشتن این کتاب به مقتضای نیاز شدید آن مرحوم به امثال این گونه کتب که برایشان از الزم لوازم و اشد ضرورات بوده است، باز هم به حکم احتیاط خمس آن را می‌دهد. سپس می‌گوید: این عمل را مقایسه کنید با عمل بعضی‌ها که مصداق کلام مبارک امیر علیه السلام در خطبه شقشقیه نهج البلاغه است: «يَخْضُمُونَ مَالَ اللَّهِ خَضْمَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ».

آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی، درباره او می‌نویسد: ... او پیوسته سرگرم کار بود. عشق شدید به نوشتن و تالیف و بحث و تحقیق داشت. هیچ چیز او را از این شوق و عشق منصرف نمی‌کرد و مانعی در این راه نمی‌شناخت و در این زمینه داستان‌های زیادی از ایشان نقل شده.

آفاق: چه عواملی در رشد علمی و معنوی محدث قمی رحمته اثر داشته است؟

مهم‌ترین عوامل که در رشد علمی و معنوی آن مرحوم، تأثیر داشت به اجمال عبارت‌اند از:

- ۱- رنج و تلاش خستگی‌ناپذیر به گونه‌ای که در راه تحصیل و تحقیق همه سختی‌ها را نادیده می‌گرفت.
- ۲- بهر موری از محضر استادان ورزیده و بیدارگر، چون: میرزا ابوالقاسم کبیر قمی، میرزا محمد ارباب قمی، محدث نوری، سیدمحمد کاظم طباطبایی زدی، شیخ الشریعه اصفهانی.
- ۳- انس و رفاقت و هم‌صحبتی با شخصیت‌های نامی مانند علامه متنبع، شیخ آقابزرگ تهرانی در شکل‌گیری شخصیت ایشان دخیل بوده است.

۴- داشتن اراده قوی، همت بلند، ایمان به راه، هدف، امید به موفقیت و استفاده از وقت به نحو احسن. البته بندگی معبود یگانه، تهجد و شب‌زنده‌داری، توسل به اهل بیت علیهم السلام و اخلاص هم‌زمینه‌ای بود برای دست‌یابی به موفقیت‌ها و رشد معنوی.

محدث قمی رحمته در الفوائد الرضویه ضمن بیان شرح حال مرآفاقی: محدث قمی از مشایخ روایی بود، ممکن است بفرمایید که چه شخصیت‌هایی از ایشان اجازه روایی دریافت کرده‌اند؟

مراجع عالی‌قدری چون آیات عظام: سیدصدرالدین صدر، سیدعبدالهادی شیرازی، سیدمحمدهادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، شیخ محمدعلی اراکی و عالمان برجسته دیگر که ذکر نامشان به درازا خواهد کشید، از این محدث بصیر که خود از شخصیت‌های ارزنده علمی اجازه نقل حدیث دریافت کرده بود، اجازه روایی داشته‌اند. حتی بعضی از مراجع (مرحوم آیت‌الله اراکی) تنها طریقی که دارند از طریق محدث نوری است.

آفاق: گویا محدث قمی رحمته کثیر السفر بوده است. آیا این سفرها زیارتی یا تبلیغی بوده؟

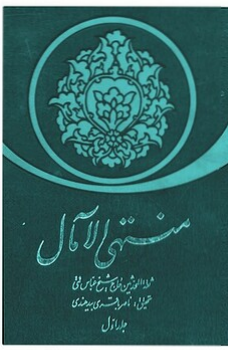
درست است، بارها به عتبات رفته و سه نوبت به زیارت خانه خدا مشرف شده است. از کشور هند و سوریه نیز دیدن کرده است. در لبنان مدت‌ها مانده است. در ایران نیز به بسیاری از شهرها سفر کرده است. بیش تر سفرهای او زیارتی و علمی بوده است.

آفاق: لطفاً اگر مطلبی ناگفته به نظر تان می‌رسد، بیان بفرمایید؟

در مورد محدث قمی رحمته گفتنی زیاد است. ولی به همین مقدار بسنده می‌کنم. امید می‌برم خداوند عزوجل، روح بلند این عالم عالی‌مقام را متعالی بفرماید و به همه ما توفیق قدرانی از زحمات و تلاش‌های بی‌شائبه ایشان عنایت فرماید. سلام الله علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یبعث حیاً.

آفاق: از این که قبول زحمت فرمودید و ما را در بزرگ‌داشت این مرد بزرگ، یاری کردید، متشکریم.

خواهش می‌کنم، لطف فرمودید. امیدوارم آن‌شاءالله، موفق باشید و در ادای حق این بزرگان - که زندگی‌شان برای همه ما درس آموز است توفیق پیدا کنید و با معرفی این خادمان علم و دین، جامعه و مردم را با این شخصیت‌ها آشنا سازید.



محدث قمی رحمته در الفوائد الرضویه ضمن بیان شرح حال مرآفاقی: محدث قمی از مشایخ روایی بود، ممکن است بفرمایید که چه شخصیت‌هایی از ایشان اجازه روایی دریافت کرده‌اند؟

پی‌نوشت‌ها

- عضو هیأت مدیره و مسؤول بخش پژوهش انجمن علمی تاریخ‌پروهان حوزه، و عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمته.